



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 4 ; Number: 7

The impact of the Islamic revolution on the political culture of Iran (Emphasizing the civilizing role of Shia culture)

Morteza Alavian *, Abozar Delavar **

<https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.461102.1118>

Received: 2024/06/04; Accepted: 2024/07/08

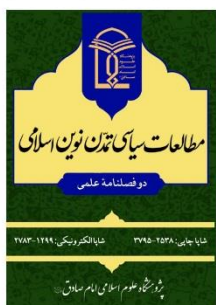
Type of Article: Research

PP: 161-185

Abstract

The victory of the Islamic Revolution in 1979 under the leadership of Imam Khomeini led to the formation of a new value system in Iranian society. Extensive changes were made at the level of political elites, social structures and relations between people in the society and caused the transformation of Iran's political culture. The main question of the article is this: "How has the Islamic Revolution affected the political culture of Iran in the period from 1979 to 1989?". The conformity of the norms and values of the political elites and the people had greatly increased the legitimacy of the political system. Public and political participation of the people in supporting the political system expanded. Participation had a mass form, but from the perspective of political culture, people believed that they had the ability to influence the political process. The emphasis of this article is that the social and political behavior of Iranians after the revolution was influenced by Shia teachings. Shia elements, concepts and symbols were reproduced at the level of the society with the occurrence of the Islamic revolution and caused the expansion of the "meme" of solidarity, cooperation and the rule of "non-monetary relationships" in the network of social relations, and the positive function of religion in the social and political structure of Iran was shown. The current research is based on a critical approach and a qualitative descriptive-analytical method, and the collection of materials was done in a library manner.

Key words: Islamic revolution, political culture, participation, political legitimacy, the function of religion.

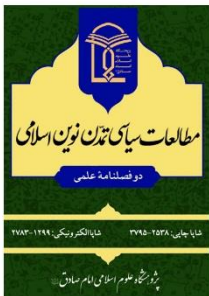


*, Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, m.alavian@umz.ac.ir.

**, Ph.D. student in Political Science, Iran, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author), abdelavar60@gmail.com



پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشکده مطالعات سیاسی و دفاعی
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
نشانی پانگه نشریه: http://sjs.isri.ac.ir
سال چهارم - شماره اول - زمستان ۱۳۹۸



تأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی ایران با تأکید بر نقش تمدنی فرهنگ شیعی

مرتضی علویان*، ابوزر دلاور**

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.461102.1118>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۸

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۱۸۵-۱۶۱

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷، به شکل گیری نظام ارزشی جدیدی در ایران منجر شد. تحولات گسترده‌ای در سطح نخبگان سیاسی، ساختارهای اجتماعی و مناسبات میان افراد، در جامعه ایجاد و موجب تحول فرهنگ سیاسی ایران شد. این مقاله با بررسی رابطه دو متغیر انقلاب اسلامی و فرهنگ سیاسی ایران، سؤال اصلی خود را این گونه مطرح می‌کند: «چگونه انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی ایران، در مقطع زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸، تأثیر گذاشته است؟» در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، تطابق هنجارها و ارزش‌های نخبگان سیاسی و مردم، موجب افزایش حداکثری مشروعیت نظام سیاسی شد و مشارکت عمومی و سیاسی مردم در حمایت از نظام سیاسی گسترش یافت. مشارکت به صورت توده‌ای بود؛ اما از منظر فرهنگ سیاسی، مردم بر این باور بودند که توانایی تأثیرگذاری بر فرایند سیاسی را دارند. تأکید نوشتار پیش رو بر این است که انسجام اجتماعی قوی در جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی، از آموزه‌های شیعه تأثیر پذیرفته است. با وقوع انقلاب اسلامی، عناصر، مفاهیم و نمادهای فرهنگ و تمدن شیعی در سطح جامعه بازتولید شدند و این امر موجب گسترش تعاون، مهم‌های همبستگی و حاکم شدن مناسبات غیر پولی در شبکه روابط اجتماعی شد. همچنین کارکرد مثبت دین در صورت‌بندی اجتماعی-سیاسی ایران آشکار شد. این پژوهش با رویکردی انتقادی و روش کیفی (توصیفی-تحلیلی) سامان یافته و مطالب به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، فرهنگ سیاسی، مشارکت، مشروعیت سیاسی، کارکرد دین.

*. دانشیار گروه علوم سیاسی،
دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران،
m.alavian@umz.ac.ir
**. دانشجوی دکتری علوم سیاسی
گرایش مسائل ایران، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه
مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده
مسئول)، abdelavar60@gmail
.com

مقدمه

فرهنگ در معنای گسترده، شیوه زندگی مردم است. مجموعه عناصر فکری و مادی، شامل زبان، مذهب، آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارها، در نقش عناصر اصلی فرهنگ و عناصری همچون علم، هنرهای خاص (مثل نقاشی، معماری، شعر و موسیقی) و حتی فناوری - چون محصول تفکر انسانی است - به حیطه عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ یک جامعه اضافه می‌شوند؛ درواقع، خود فرهنگ به اجزای مختلفی تقسیم می‌گردد. به عبارت دیگر، درون فضای فرهنگ عمومی، خرده‌فرهنگ‌هایی شکل می‌گیرند که در سازندگی هویت جمعی و رفتار مردم یک جامعه نقش محوری دارند؛ از جمله محوری‌ترین آن‌ها می‌توان از فرهنگ سیاسی نام برد.

فرهنگ سیاسی، به مثابه بخشی از فرهنگ اجتماعی، پدیده‌ای ایستا نیست؛ بلکه پیوسته در حال جرح و تعدیل است؛ بنابراین، فهم ما از فرهنگ سیاسی نیز باید پویا باشد. از منظر تئوریک، با نگاه از یک سکوی کل‌نگر سامانه‌ای، چهار سطح بر فرهنگ سیاسی و حُلَقیات مردم یک جامعه تأثیرگذار است:

۱. ساختارها و نهادها (مانند ساختار اقتصادی و نهاد مذهب)؛
۲. عامل‌های انسانی (همچون نقش و کنش برخی از شخصیت‌های تاریخی نظیر امام خمینی^ع در تاریخ ایران)؛
۳. محیط منطقه‌ای و جهانی؛
۴. وقایع و رویدادها در صورت‌بندی اجتماعی-سیاسی (مثل وقوع انقلاب اسلامی).

وقوع انقلاب اسلامی ایران، به‌رهبری امام خمینی^ع، تغییرات گسترده‌ای در باورها، هنجارها، ارزش‌ها و فرهنگ سیاسی ایران ایجاد کرد. این نظام ارزشی جدید، حول دال اسلام و براساس مذهب تشیع شکل گرفت. در نظام اعتقادی-ارزشی شیعه عناصر به‌هم‌پیوسته و منسجمی، همانند امامت، معاد، شهادت‌طلبی، ایثار و عدالت‌خواهی، وجود دارد که بعد از انقلاب، آثار آن‌ها در رفتار مردم ایران در وقایع سیاسی-اجتماعی مشاهده می‌شود. انقلاب اسلامی، در نقش یک پدیده اجتماعی-سیاسی، بارها و از جنبه‌های مختلف بررسی شده و خواهد شد. این نوشتار نیز به‌تأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی مردم ایران، در مقطع زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸،

متمرکز شده است و در پاسخ به سؤال اصلی خود، این فرضیه را می‌آزماید: «در پیروزی انقلاب اسلامی، به‌رهبری امام خمینی^۱، غلبه عناصر و مفاهیم دینی در جامعه به تحول فرهنگ سیاسی ایران، بالا رفتن مشروعیت نظام سیاسی، افزایش مشارکت مردم و گسترش انسجام اجتماعی در سطح جامعه منجر شد».

اهمیت تحقیق پیش رو، در این نکته است که با فهم ابعاد فرهنگ اجتماعی-سیاسی ایران، در مقطع موردبررسی پژوهش، ظرفیت انقلاب اسلامی و عناصر موجود در فرهنگ و تمدن شیعی-که به گسترش مم^۱ همبستگی، انسجام اجتماعی و حاکم شدن ارزش‌های غیربازاری (مناسبات غیرپولی) در روابط افراد در جامعه ایران منتهی شد- درک و شناسایی می‌شود. آن روحیه تعاون در جامعه، زمینه مناسبی برای توسعه فراهم می‌کرد؛ اما نهاد مناسب برای زیست و تثبیت آن شکل نگرفت و ادامه نیافت. باید به این مطلب توجه داشت که هدف از تحلیل تاریخی، تغییر تاریخ نیست؛ درس گرفتن از آن است.

در این پژوهش، دوگانه ساختار و کارگزار به‌مفهوم ساخت‌یابی گیدنز (مارش، استوکر، ۱۳۸۴: ۳۱۵)- که ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی این دو مفهوم را در شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی-سیاسی مطرح می‌کند- از منظر معرفت‌شناختی، موردنظر است. هدف این مقاله، بررسی تأثیر انقلاب اسلامی و نشان دادن ظرفیت آن در تحول فرهنگ سیاسی ایران است. در کنار عوامل ساختاری، به کارگزار توجه و نیز تلاش شده است که بعد از تعریف مفاهیم اصلی، با بهره‌گیری از امکانات مفهومی نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، تأثیر برخی از عناصر، مفاهیم و نمادهای فرهنگ و تمدن شیعی-که با وقوع انقلاب اسلامی در جامعه ایران بازتولید شد و بر فرهنگ

۱. واژه مِم (Meme) در نظریه میمیتیک، از کتاب ژن خودخواه (The selfish gene) اثر ریچارد (Richard Dawkins)، در سال ۱۹۷۶، برآمده است. داوکینز این کلمه را با کوتاه کردن mimeme از کلمه یونانی mimema (به‌معنای داوکینز (چیزی که تقلید شده) ابداع کرد. او مم را متناظر با کلمه ژن مفهوم‌سازی کرد. مم همانند ژن، ماهیت اطلاعاتی دارد که منتقل می‌شود. ایده مم این است که الگوهای رفتاری و فرهنگی و ذهنی نیز یک بسته مشابه از اطلاعات فرهنگی است. مم، یک نظریه توارثی، ایده، رفتار یا روشی است که از طریق فرهنگ و از فردی به فرد دیگر منتشر می‌شود.

سیاسی مردم ایران اثر گذاشت. نیز کاویده شود. بر این مبنا، گرایش‌های مردم در دو سطح نظام (مشروعیت) و فرآیند (مشارکت)، در مقطع زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸، بررسی و درنهایت، با بسط نظریه فرهنگ سیاسی، رواج و تکثر همبستگی و تعاون، در دهه اول انقلاب، از منظر نظریه میمیتیک جمع‌بندی می‌شود.

موضوع انقلاب اسلامی و فرهنگ سیاسی، به اشکال مختلفی موردتوجه محققان بوده است. در ادامه، به برخی از متون موجود که مرتبط با موضوع نوشتار است، اشاره می‌شود: هنری لطیف‌پور (۱۳۸۰) در کتاب فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی به تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی شیعه بر پیروزی انقلاب اسلامی، در دوره قبل از انقلاب، توجه دارد؛ احمد احسانی (۱۳۸۶) در کتاب فرهنگ سیاسی مردم: بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، به این نتیجه رسیده که فرهنگ سیاسی مردم، از فرهنگ محدود تبعی به فرهنگ تبعی-مشارکتی تبدیل شده است؛ رشید جعفرپور کلوری (۱۳۸۹) در کتاب فرهنگ سیاسی در ایران به بررسی تحول یا عدم تحول فرهنگ سیاسی ایران، در دوره پهلوی دوم و انقلاب اسلامی، پرداخته است. وی با مطالعه شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران (مشروعیت، مشارکت و کارآمدی سیاسی)، فرهنگ سیاسی ایرانیان در دو دوره مذکور را مقایسه می‌کند؛ حمیدرضا اسماعیلی (۱۳۹۰) در کتاب انقلاب و فرهنگ سیاسی ایران به فرهنگ سیاسی ایرانیان، بیشتر در دو دهه آخر حکومت پهلوی دوم، توجه دارد و به دنبال چرایی وقوع انقلاب اسلامی از این منظر است.

هرچند موضوع تأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی، کم‌وبیش موردتوجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما در این نوشتار از زاویه‌ای جدید و از منظر جامعه‌شناسی کاربردی، به تأثیر انقلاب اسلامی - که بازتولید عناصر تمدنی فرهنگ شیعی را موجب شد و بر فرهنگ سیاسی ایرانیان و صورت‌بندی اجتماعی-سیاسی جامعه ایران اثر گذاشت - توجه شده است. وجه تمایز این تحقیق، در توجه به ظرفیت‌های کارکردی انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی شیعی در جامعه ایران است که در مقطعی، زمینه‌ساز همبستگی قوی اجتماعی در جامعه ایران شد. تحقق این ظرفیت‌ها (هنجارها و ارزش‌ها) و عینیت بخشیدن به آن‌ها، به مثابه الگویی برای برون‌رفت یا تعدیل شکاف‌های اجتماعی در جامعه ایران و حرکت به سمت

همبستگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است تا امکان رشد جامعه‌ای پویا را فراهم آورد.

۱. چارچوب مفهومی

در این بخش، ابتدا حدود و ثغور دو مفهوم بنیادی این پژوهش (انقلاب اسلامی و فرهنگ سیاسی) مشخص شده، سپس مدل مفهومی مقاله ترسیم می‌شود:

۱-۱. انقلاب اسلامی

انقلاب^۱ به معنای زیرورو شدن و تحوّل است و معمولاً با دگرگونی شدید و ناگهانی همراه است. به طور کلی، محققان معتقدند که انقلاب باید در ایدئولوژی، رژیم سیاسی و ساختار اجتماعی-اقتصادی جامعه تغییر به وجود بیاورد (راش، ۱۳۸۱: ۲۲۴). تداوم اسکاچ‌پل^۲ می‌گوید: «انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است؛ اما انقلاب اجتماعی عبارت است از انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماعی و نیز تحول در ایدئولوژی غالب کشور» (پزشکی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۳). در واقع، او انقلاب را با توجه به نوع و میزان تغییرات در یک کشور، به دو دسته انقلاب اجتماعی (یا بزرگ) و انقلاب سیاسی، تفکیک می‌کند؛ بنابراین، انقلاب اسلامی ایران در دسته انقلاب اجتماعی یا بزرگ قرار می‌گیرد.

لاسول^۳، انقلاب را به معنای دگرگونی ترکیب طبقاتی نخبگان تعریف می‌کند. توجه به شخصیت‌های سیاسی و نخبگان جدید در هر انقلاب، نمایانگر تحولات چشمگیری در جهت‌گیری ارزشی و ساختار اجتماعی و یا فرهنگ سیاسی مردم یک جامعه است. تغییرات در نخبگان سیاسی حاکم می‌تواند منادی تحول ارزش‌های آن جامعه در آینده باشد (کوهن، ۱۳۸۶: ۴۷). اگر از این منظر به انقلاب اسلامی نگاه کنیم، امام خمینی^ع در نقش یک رهبر کاریزما نقش اساسی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت که تفکر ایشان در نظام اعتقادی-ارزشی تشیع ریشه دارد. بعد از انقلاب، عناصر و

1. Revolution

2. The de skocpol

3. Lasswell

مفاهیم فرهنگ سیاسی شیعی در هنجارها و ارزش‌های جامعه ایران، بازتولید و گسترش یافت. ایشان فراتر از سنت‌گرایی و بنیادگرایی (با جمع میان عرفان و سیاست، عقل و دین، جمهوریت و اسلامیت) درصدد استقرار قانون اساسی، با شرایط جدید و نهادهای سیاسی مدرن، برآمد (موثقی، ۱۳۸۵: ۲۶۸).

تمایز مهم انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های جهان، بازگشت به دین و معنویت است. حامد الگار می‌نویسد: «انقلاب اسلامی ایران -برعکس همه انقلاب‌ها- تداوم و توالی بخش مهمی از میراث اسلامی و یکی از عوامل مهمی است که انقلاب اسلامی ایران را از تمامی انقلاب‌های دگرگون‌ساز دیگر متمایز می‌سازد؛ همین، ریشه عمیقی است که این انقلاب در گذشته تاریخی دارد» (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۴۲-۲۴۱). می‌توان گفت که انقلاب اسلامی، حرکتی بنیادین و تحولی اساسی در وضعیت سیاسی-اجتماعی ایران، براساس آموزه‌های اسلامی-شیعی، بود.

در این نوشتار، انقلاب اسلامی مفهوم گسترده‌تری از جمهوری اسلامی دارد. نظام جمهوری اسلامی، محمل و پایگاه انقلاب است؛ اما انقلاب اسلامی محدود به آن نیست. منظور از انقلاب اسلامی، همان معنای عام است و مراد، جمهوری اسلامی به‌تنهایی نیست (مظاهری، ۱۴۰۰: ۱۸-۱۷). انقلاب اسلامی مترادف با انقلاب اجتماعی یا بزرگ است؛ زیرا هم باعث تغییر نوع حکومت سیاسی شد و هم در سطح جامعه به تغییر و تحول در هنجارها، ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی-فرهنگی غالب منجر شد. باتوجه به صبغه فرهنگی انقلاب اسلامی، در این نوشتار به رهیافت فرهنگی توجه شده است. درواقع، گفتمان انقلاب اسلامی یک منظومه فکری، یا نظامی از اندیشه است که دارای مبانی فرهنگی-تاریخی است. این گفتمان همچون عاملی جریان‌ساز و فرهنگ‌ساز، ظرفیت‌های زیادی در تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی ایران دارد.

۲-۱. فرهنگ سیاسی^۱

مطالعات جدید فرهنگ سیاسی از سوی محققان برجسته علم سیاست، گابریل آلموند و سیدنی وربا، به‌صورت سامانمند، در دهه ۱۹۶۰، صورت گرفت (قوام، ۱۳۹۴: ۱۷۲). گابریل آلموند، فرهنگ سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «هر نظام

سیاسی درون الگوی خاصی از جهت‌گیری برای کنش سیاسی فعالیت دارد که خوب است آن را فرهنگ سیاسی بنامیم» (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۴۵). گونه‌شناسی آلموند و وربا از فرهنگ سیاسی، به سه شکل زیر است:

۱. فرهنگ سیاسی محدود^۱: در این فرهنگ _با فقدان حس شهروندی_ مردم وابسته به محل هستند، نه ملت، و تمایل و توانایی مشارکت در سیاست را ندارند (هیوود، ۱۴۰۰: ۲۹۲). در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد از نظام سیاسی خود، آگاهی چندانی نداشته و از آن انتظاری هم ندارند؛

۲. فرهنگ سیاسی تبعی^۲: در این نوع فرهنگ، به علت فقدان یا ضعف نهادهای بیان و تجميع تقاضاها، افراد نمی‌توانند از کارایی سیاسی چندانی برخوردار باشند؛ بنابراین، نخبگان سیاسی سخنگوی تقاضاهای مردم هستند و در نتیجه، مردم خودشان را از شرکت‌کنندگان فعال در فرایند سیاسی نمی‌دانند و عملاً اتباع حکومتی تلقی می‌شوند (قوام، ۱۳۸۱: ۷۲). شهروندان به‌رغم آگاهی از وجود نظام سیاسی، منفعل هستند و آمادگی بسیار اندکی برای تأثیرگذاری بر سیاست و حکومت دارند؛

۳. فرهنگ سیاسی مشارکتی^۳: در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد جامعه در درون داد نظام سیاسی (طرح تقاضاها) نقش دارند و نسبت به رفتار نخبگان سیاسی حساس‌اند. آن‌ها خود را در جامعه سیاسی فعال قلمداد می‌کنند و از لحاظ روانی، بر این باورند که می‌توانند بر تصمیمات نظام سیاسی تأثیر بگذارند. در این فرهنگ سیاسی، هم آگاهی و هم مشارکت وجود دارد (ازغندی و دلاور، ۱۳۸۹: ۵۴).

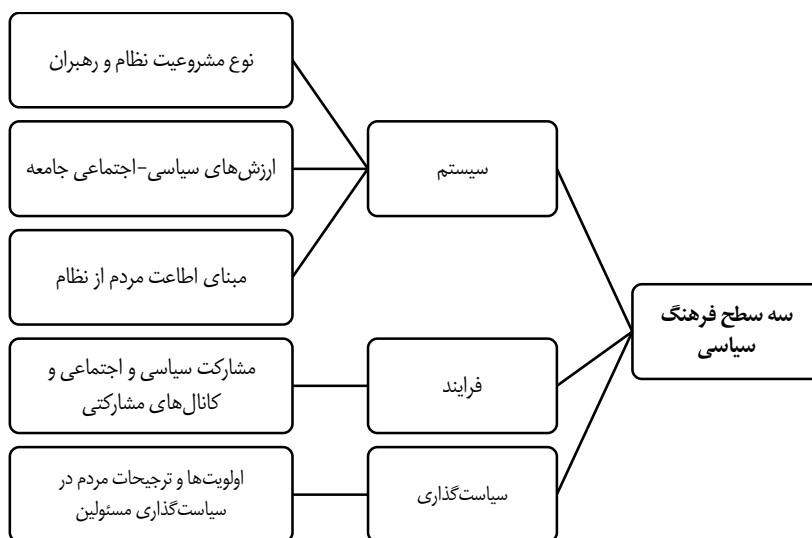
فرهنگ سیاسی، بخشی از فرهنگ اجتماعی است که می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «مجموعه‌ای از احساسات، ارزش‌ها، عواطف و اخلاقیات که شکل‌دهنده رفتار سیاسی-اجتماعی تک‌تک افراد جامعه در زندگی سیاسی است» (دلاور، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در تحقیقات و مطالعات مربوط به فرهنگ سیاسی، ایستارهای افراد را نسبت به سه سطح نظام سیاسی (سیستم، فرایند و سیاست‌گذاری) می‌سنجند.

-
1. parochial
 2. Subjective
 3. Participative

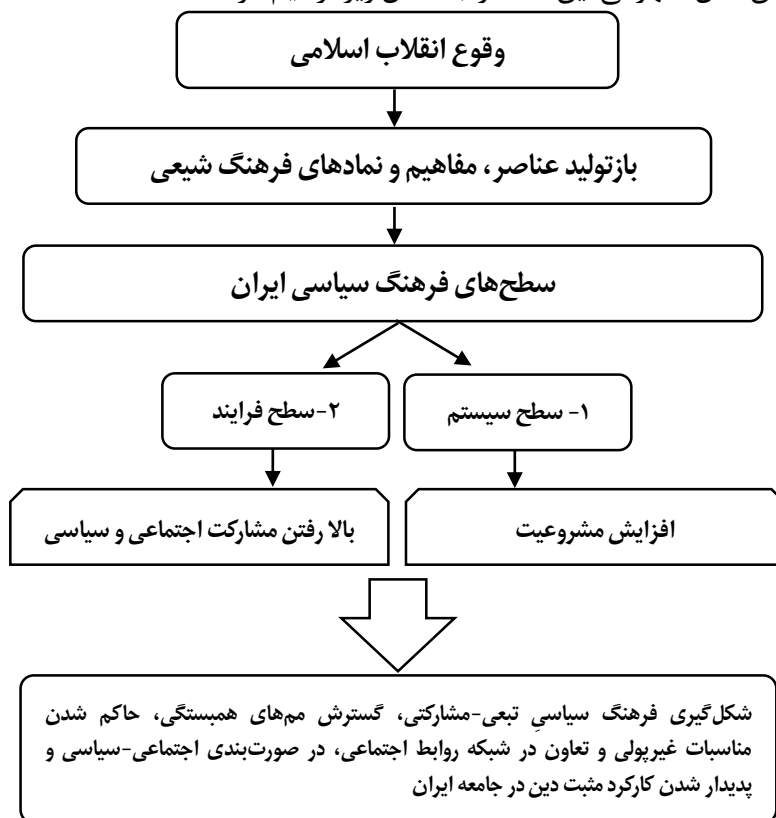
در سطح سیستم، به دیدگاه افراد و رهبران درباره ارزش‌ها و سازمان‌های قوام‌بخش نظام سیاسی توجه و مقولاتی نظیر چگونگی انتخاب رهبران و اطاعت شهروندان از قوانین بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین جنبه گرایش‌های سیستمی، سطح و مبنای مشروعیت حکومت باشد. اگر شهروندان باور کنند که باید از قوانین اطاعت کنند، مشروعیت حکومت گسترده خواهد بود؛ اما اگر آنان هیچ دلیلی برای اطاعت نیابند، مشروعیت حکومت پایین خواهد بود؛ بنابراین، حکومتی که مشروعیت بالایی دارد، دارای سلطه مشروع خواهد بود و مردم بارغبیت و بدون نیاز به قوه قهریه، از قوانین اطاعت می‌کنند.

در سطح فرایند، به تمایلات افراد برای درگیر شدن در فرایند (طرح تقاضا، اطاعت از قوانین حمایت از برخی گروه‌ها و مخالفت با برخی دیگر، و شکل‌های مشارکت) توجه می‌شود. در این سطح، نهادهای مشارکتی و کیفیت مشارکت سیاسی، از حیث فعالانه و منفعلانه بودن، مطرح است. همچنین باورهایی که مردم درباره دیگر گروه‌ها و نیز درباره خودشان در نقش اعضای یک گروه دارند و مسئله اعتماد سیاسی به دیگر گروه‌ها و همکاری برای رسیدن به اهداف، مورد توجه است.

در سطح سیاست‌گذاری، این امر بررسی می‌شود که توده مردم و رهبران چه سیاست‌هایی را از حکومت انتظار دارند، چه اهدافی قرار است تعیین شود و چگونه باید به آن دست یافت؟ (آلموند و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۲-۷۱) این مقاله، بر پایه مباحث مطروحه و در دو سطح نظام و فرایند سیاسی که با فرضیه پژوهش مرتبط است، به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی ایران در مقطع زمانی مشخص شده، خواهد پرداخت.



می‌توان مدل مفهومی این مقاله را به شکل زیر ترسیم کرد:



۲. عناصر، مفاهیم و نمادها در فرهنگ شیعی

در طول تاریخ ایران، دین یک اصل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هویتی و یک ارزش مهم اجتماعی بوده است (حافظنیا و کاوندی کاتب، ۱۴۰۲: ۱۴۲). با ورود اسلام به ایران، نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران تغییر کرد و تحول اساسی در نظام باورها و ارزش‌های ایرانیان ایجاد (آل غفور، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۵) و به تدریج، تمایل به آموزه‌های اسلام و مکتب تشیع بخشی از جوهر فرهنگ ایران شد. فرهنگ سیاسی، به مثابه بخشی از فرهنگ اجتماعی در ایران، سرچشمه‌های متعدد دارد. دین اسلام و به ویژه مذهب تشیع، از مهم‌ترین منابع فرهنگ سیاسی ایران است. منظور از منابع فرهنگ سیاسی، عناصر و مؤلفه‌هایی محیطی-روانی یک جامعه، از قبیل سوابق تاریخی، موقعیت جغرافیایی، بافت جمعیتی، وضعیت اقتصادی و ساخت سیاسی، است که در پیدایش ویژگی‌های فرهنگی یا فرهنگ سیاسی نقش داشته، یا در حفظ و بازتولید آن‌ها تأثیر دارند. به نظر می‌رسد که بعد از انقلاب اسلامی، بسیاری از عناصر و مفاهیم نظام اعتقادی شیعه در سطح جامعه ایران بازتولید و پررنگ شد.

نظام اعتقادی شیعه عبارت است از اصول و فروع دین اسلام، براساس مذهب تشیع (ابوطالبی، ۱۳۸۴: ۱۱). در طول تاریخ ایران، همواره دین از مهم‌ترین عناصر جهت‌دهنده به الگوهای کنش و رفتار ایرانیان بوده است. آرمینوس وامبری^۱ در سفرنامه خود درباره دینداری ایرانیان، از علاقه آن‌ها به زیارت می‌گوید: «فقیرترین ایرانی، حتی اگر گرسنگی بکشد، آن قدر پس انداز می‌کند تا به زیارت برود» و درباره آمادگی دائم آن‌ها برای عزاداری می‌نویسد: «ایرانی هر لحظه آماده است برای رحلت پیامبر ﷺ و خاصه حسین شهید ﷺ عزاداری کند و به شدت اشکریزان شود» (جوادی یگانه، ۱۴۰۰: ۱۰۰). در یک چشم‌انداز گسترده تاریخی می‌توان گفت که جامعه ایران از دیرباز، یک جامعه دینی بوده است و به قول جان فوران^۲: «آیین شیعه مانند ملاط چسبنده‌ای جامعه ایرانی را یک پارچه نگاه داشت» (فوران، ۱۳۸۲: ۱۶۳).

1. Arminius vambery

2. John foran

در این نوشتار منظور از فرهنگ سیاسی شیعه، مجموعه‌ای پیوسته از نظام اعتقادی-ارزشی و نمادهای مذهب شیعه است که در متن تاریخ و حیات جمعی ایرانیان شکل گرفته و شکل‌دهنده رفتار سیاسی-اجتماعی آنان در عرصه زندگی سیاسی است.

در این بخش به برخی از مهم‌ترین عناصر، مفاهیم و نمادها که در تاریخ ایران وجود داشت و بعد از انقلاب اسلامی بازتولید شده و بر فرهنگ سیاسی مردم ایران تأثیرگذار بوده، پرداخته می‌شود:

۲-۱. معاد و آخرت‌گرایی

در جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر^۱، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی افراد در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شود: کنش عقلانی، کنش سنتی و کنش عاطفی. کنش عقلانی مبتنی بر ارزش است که معمولاً در حوزه دین و اخلاق پدیدار می‌شود. درواقع، این کنش صرفاً برحسب اصول و اعتقادات صورت می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۵۸). معاد یکی از اصول اعتقادی شیعه است که امتداد آن به آخرت‌گرایی در سطح جامعه می‌رسد. معاد، آخرت‌گرایی و اعتقاد به وجود جهانی دیگر ماورای این جهان مادی، تأثیر مهمی در فرایند شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی-سیاسی شیعیان دارد. حضور داوطلبانه و شجاعانه جوانان ایرانی، در طول هشت سال جنگ تحمیلی، انعکاسی از اعتقاد به آخرت‌گرایی در فرهنگ سیاسی ایران بوده است.

۲-۲. امامت و رهبری

طبق تعالیم شیعه در بحث امامت، اعتقاد بر این است که آخرین امام معصوم، امام زمان علیه السلام، در غیبت به‌سر می‌برد. فقها در دوران غیبت، در حکم ثواب عام امام زمان علیه السلام، مرجع امور مذهبی و دینی مردم هستند. در مسئله حکومت نیز یکی از این فقها، در جایگاه ولی فقیه، مسائل مربوط به حکومت و اداره جامعه را برعهده دارد. ازجمله مفاهیمی که از اصل امامت به‌دست می‌آید و در عرصه سیاسی، در رفتار شیعیان مؤثر است، مفهوم غیبت، انتظار، اجتهاد و ولایت فقیه است (ابوطالبی، ۱۳۸۴: ۱۲). بنابراین، مقبولیت این مفاهیم در لایه‌های مختلف جامعه ایران وجود

1. Max weber

داشت؛ اما شخصیت کاریزماتیک امام خمینی^ع در بازتولید و گسترش این مفاهیم در سطح جامعه ایران، بسیار تأثیرگذار بود. مقبولیت و مشروعیت مفاهیم امامت، رهبری و پذیرش ولایت فقیه در ذهن مردم، و مشارکت گسترده در امور اجتماعی-سیاسی، مانند انقلاب و جنگ تحمیلی، با پیروی از شخصیت روحانی امام خمینی^ع، از باور و اعتقاد تاریخی مردم ایران به این مفاهیم حکایت می‌کند و در فرهنگ سیاسی شیعی ریشه دارد.

۳-۲. ایثار و شهادت‌طلبی

روحیه ایثار و شهادت‌طلبی، از ارزش‌های سیاسی-اعتقادی شیعیان است. مراسم‌های ماه محرم، به‌ویژه تاسوعا و عاشورا، فرهنگ شهادت را در سطح جامعه گسترش می‌دهد. شهادت امام حسین^ع، را می‌توان جلوه‌ای از ایثار و فداکاری برای تحقق عدالت در جامعه دانست (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۳۶)؛ بنابراین، نهضت عاشورا در ایجاد روحیه شهادت‌طلبی در مردم نقش بسزایی داشته است.

تأثیر این آموزه‌های شیعی، هم در انقلاب اسلامی و هم در جنگ، موجب شد تا مرگ در راه خدا سعادت تصور شود و مورد استقبال افراد در جامعه ایران قرار گیرد. این اعتقاد مذهبی سبب شد تا در وقایعی چون جنگ تحمیلی، شاهد مسابقه فداکاری و ایثارگری مردم برای کشور باشیم.

۴-۲. مساجد و هیئت‌های مذهبی

در فرهنگ مردم ایران، مسجد یک مکان مقدس است. علاوه بر برگزاری مراسم‌های عبادی-مذهبی، همانند نماز جماعت، عزاداری و جشن اعیاد مذهبی، که به همبستگی اجتماعی منجر می‌شود، زمینه جامعه‌پذیری سیاسی افراد نیز فراهم می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی و رابطه مردم و دولت، عمدتاً در طول تاریخ معاصر ایران، مردم با حضور در مساجد و دیگر اماکن مذهبی و از طریق روحانیان، با حکومت در تعامل بوده‌اند؛ حتی شکایات مردم بیشتر از مجاری مذهبی، یعنی علما که واسطه مردم و حکومت بودند، بیان می‌شده است. رهبران دینی اعتراضات مردم را به‌زبان مذهبی توجیه می‌کردند و به آن مشروعیت می‌بخشیدند (مارتین، ۱۳۹۸: ۲۷).

مسجد مهم‌ترین پایگاه آموزش‌های مذهبی بود که با آموزش مبانی اسلامی،

زمینه مشارکت توده مردم را در وقایع اجتماعی و سیاسی فراهم آورد. نهاد روحانیت از طریق مسجد، کار انتقال عناصر و مفاهیم و نمادهای فرهنگ سیاسی شیعی را به سطح جامعه گسترش داد و بازتولید کرد (علویان، ۱۳۹۳: ۲۶۳). نهادهای دینی، همانند مساجد، حسینیه‌ها، تکیه‌ها و مدارس علمیه، بر فرهنگ سیاسی ایران و دگرگونی اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. این نهادها در دوران پس از انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری از ادبیات تهییجی، مفاهیم اسلامی (همچون حکومت اسلامی، جهاد، دفاع مقدس، ایثار، شهادت و ولایت فقیه) را با استعاره‌های جدیدی بازتولید کردند (مطلبی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در طول جنگ تحمیلی عراق با ایران، مساجد و سایر اماکن مذهبی، مهم‌ترین مراکز برگزاری جلسات، بسیج نیروهای مردمی و برگزاری مراسم از سوی هیئت‌های انقلابی در سطح کشور بودند. منظور از هیئت‌های انقلابی، گونه‌ای از هیئت‌های مذهبی است که چندی پس از آغاز جنگ تحمیلی و برای تطبیق الگوی دفاع مقدس و واقعه عاشورا، براساس ایدئولوژی و آرمان‌های انقلاب اسلامی و با گفتمان مبارزاتی و تشیع انقلابی، در ایران شکل گرفت. این هیئت‌ها، به دلیل عدم محدودیت زمانی جنگ، برگزاری مجالس عزاداری را از انحصار مناسبت‌های تقویمی (مثل ماه محرم) خارج کردند و درواقع، شکل سنتی را کنار گذاشتند. بدین ترتیب، جنگ و جبهه با عناصر و آیین شیعی پیوند خورد و درون مایه محتوای عزاداری در مجالس هیئت‌های مذهبی با عناصر، نمادها و مفاهیم فرهنگ شیعی در ارتباط مستقیم بود (درودی، ۱۳۹۴: ۷۹). انقلاب اسلامی و تحولات ساختاری ایجادشده، بستر مناسبی برای بازتولید هنجارها و ارزش‌های مذهبی در جامعه ایران فراهم ساخت.

۳. فرهنگ سیاسی ایران (۱۳۶۸-۱۳۵۷)

انقلاب اسلامی خیزشی با نام خدا و ارزش‌های دینی، در عصر سکولاریسم بود و توانست یک نظام ارزشی جدید در جامعه ایران ایجاد کند که در سنت دیرینه اسلام ریشه داشت. قرائت امام خمینی^ع از دین، چهره‌ای جدید به اسلام بخشید که تمامی ارزش‌های آرمانی و انسانی و انقلابی را در خود انعکاس می‌داد. نظام ارزشی جدید، به علت انطباقش با نظام هنجارها و ارزش‌های جامعه ایران و مقبولیت و مشروعیت والای حاملان آن، در بین مردم جامعه مقبولیت پیدا کرد و موردپذیرش قرار گرفت.

(تاجیک، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۴) و بر فرهنگ سیاسی و رفتار مردم در صورت‌بندی اجتماعی-سیاسی جامعه ایران تأثیر گذاشت.

در این بخش، با مطرح کردن گرایش‌های مردم در دو سطح از نظام سیاسی (سطح نظام و سطح فرایند)، در مقطع زمانی موردبررسی این نوشتار، به تأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی مردم ایران می‌پردازیم:

۳-۱. گرایش‌های مردمی در سطح نظام

مشروعیت^۱ در معنای گسترده آن، برحق بودن است و مهم‌ترین شاخص در بررسی فرهنگ سیاسی، در سطح سیستم، مشروعیت نظام سیاسی است. اغلب دانشمندان علم سیاست، از منظر جامعه‌شناختی، به مشروعیت می‌نگرند؛ یعنی تمایل پرشور به پیروی از نظام یا فرمانروایی (هیوود، ۱۴۰۰: ۳۰۵). پایداری و ثبات یک نظام سیاسی، به مشروعیت آن وابسته است؛ یعنی نظام سیاسی و حکمرانان، به‌شکلی مشروع و قانونی، در ذهن مردم پذیرفته شوند. مشروعیت نظام سیاسی و توافق بر هنجارها و ارزش‌ها، موجب همبستگی اجتماعی و زمینه‌ساز بستر مناسب برای حرکت در مسیر رشد و توسعه است.

ماکس وبر با طرح بحث رابطه حکم و اطاعت در سیاست، سه نوع آرمانی از مشروعیت مطرح می‌کند:

۱. مشروعیت قانونی: اطاعت از حکومت بر مبنای قوانین و هنجارهای عینی باشد؛
۲. مشروعیت کاریزمایی: وقتی رابطه حکم و اطاعت از حکومت، مبتنی بر عاطفه و شخصیت خارق‌العاده رهبر باشد؛
۳. مشروعیت سنتی: زمانی که مردم به‌موجب سنت‌ها از حکومت اطاعت کنند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۵۹).

بر مبنای طبقه‌بندی وبر، می‌توان گفت که مشروعیت نظام سیاسی، در دهه اول انقلاب، ترکیبی از هر سه نوع مشروعیت بوده است؛ البته مشروعیت کاریزماتیک، وزنه سنگین‌تری داشته است.

در بحث مشروعیت قانونی، قانون اساسی، برگزاری انتخابات، حق مشارکت مردم در

حکومت، مقررات، قوانین مدون و... مطرح است (بیژنی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۱۶) و برگزاری همه‌پرسی و تصویب قانون اساسی و... حرکت به‌سوی مشروعیت قانونی در نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است.

مشروعیت کاریزماتیک جمهوری اسلامی، در دهه اول انقلاب، با شخصیت فوق‌العاده متنفذ معنوی و پرجاذبه امام خمینی (ره) پیوند خورده است؛ ویژگی‌هایی نظیر مرجعیت، بی‌نیازی، شهامت، از خودگذشتگی و بیاناتی شجاعانه و منطبق با نیازها و ارزش‌های مردم ایران، از امام رهبری محبوب و کاریزماتیک ساخت و در ذهن‌ها همچون مرد خدا جلوه کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۴۹۱). این مسأله، یک عامل مهم در کسب مشروعیت برای نظام بود (رفیع‌پور، ۱۳۷۹: ۴۴۹).

در مشروعیت سنتی، باید ریشه قدرت روحانیت شیعه را در اندیشه امامت، غیبت و نیابت یافت (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۷). پذیرش و مقبولیت نخبگان سیاسی، بعد از انقلاب اسلامی که عمدتاً از بومی‌ترین و محلی‌ترین اقشار اجتماعی ایران بودند (سریع‌القلم، ۱۳۸۷: ۱۱۰)، ریشه در تاریخ و آموزه‌های مکتب تشیع دارد. مفاهیمی مانند امامت، مرجعیت و رهبری، و نیز وجود این باور که در دوران غیبت، فقها در حکم نواب عام امام زمان (عج) مرجع امور مذهبی و دینی مردم هستند و به‌تبع آن، حق حکومت و اداره جامعه را دارند، در جامعه ایران بستری اجتماعی و فرهنگی داشت. نخبگان سیاسی عمدتاً روحانیانی بودند که بعد از انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی فعالیت داشتند و در سراسر کشور، عناصر و مفاهیم و نمادها شیعی را از طریق مساجد، سازمان‌های دولتی، رسانه‌ها و... بازتولید کردند و گسترش دادند. شکل‌گیری مشروعیت سنتی نظام جمهوری اسلامی، در همین راستا ارزیابی می‌شود.

بعد از انقلاب اسلامی، نظام ارزشی جدیدی شکل گرفت. به‌تبع انقلاب اسلامی، جایگاه مذهب و آموزه‌های شیعی در جامعه ایران تقویت و متأثر از شخصیت کاریزماتیک امام خمینی، گرایش به روحانیان ایجاد شد. درواقع، نظام سیاسی و نخبگان حاکم، در ذهن مردم از مشروعیت برخوردار بودند. نتایج تحقیقات فرامرز رفیع‌پور نشان می‌دهد که پایگاه مردمی و مشروعیت نظام در سال ۱۳۶۵، بسیار زیاد بوده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۹: ۴۵۵). بالا رفتن مشروعیت نظام سبب شد تا روحانیون و در رأس آن‌ها امام خمینی (ره) به گروه مرجع برای افراد جامعه تبدیل شوند.

منظور از گروه مرجع، گروهی است که افراد با آن خود را مقایسه و با استانداردهای آن ارزیابی می‌کنند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۳)؛ یعنی مردم سعی می‌کردند خود را با ارزش‌ها و الگوهای غالب که عمدتاً در رفتار امام خمینی و روحانیان رایج بود، تطبیق دهند. یک هاله ارزشی به دور ارزش‌هایی که عمدتاً در تعالیم شیعی ریشه داشت، شکل گرفت و افراد آرزوی دستیابی به شاخص‌های ارزشی افراد مذهبی را داشتند.

بدین ترتیب، عکس‌های ائمه و برخی از شخصیت‌های انقلاب و در رأس آن‌ها امام خمینی بر دیوار خانه‌ها و مغازه‌ها نقش بست. کتاب‌های مذهبی، همانند مجموعه تفسیر المیزان، در قفسه کتابخانه‌های شخصی و ادارات دولتی دیده می‌شد. بسیاری از مردم نام‌های غیرمذهبی خود را تغییر دادند و برای نوزادان تازه‌متولدشده، اسامی مذهبی انتخاب می‌کردند. درصد زیادی از جوانان به‌جای دانشگاه به‌سوی حوزه علمیه رفتند تا روحانی شوند. بسیاری تلاش کردند تا ثابت کنند که سید هستند و این پیشوند را داشته باشند. خارجی‌ها در ذهن مردم بی‌اهمیت شدند و اعتمادبه‌نفس مردم به توانایی خود و کشورشان افزایش یافت. جلسات قرآن معمول شد، مساجد موقع نماز جماعت و نماز جمعه آن قدر شلوغ بود که جا نبود و افراد با فاصله کیلومتری از دانشگاه تهران برای نماز جمعه می‌ایستادند (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۱۳۰-۱۲۹). مردم به‌صورت خودجوش در حمایت از نظام سیاسی در راه‌پیمایی‌ها و مناسبت‌های مختلف شرکت می‌کردند. در نگرش مردم، حمایت از نظام سیاسی یک وظیفه الهی و دینی بود.

تجربه نشان می‌دهد که کشته شدن سربازان یک کشور در جنگ، موجب نارضایتی خانواده‌ها و مردم از نظام سیاسی می‌شود؛ اما در جنگ تحمیلی عراق با ایران این گونه نبود؛ زیرا نظام سیاسی مشروعیت بالایی داشت. با ورود پیکر هر شهید به شهرها، موجی از شور و اشتیاق در بین جوانان برای شهادت و رفتن به جبهه ایجاد می‌شد. از دست دادن فرزند برای والدین افتخار و شهادت یک ارزش بود و آن را چون شهادت در راه خدا و اسلام باور داشتند (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۱۴۰-۱۳۹).

مردم ایران متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی و آموزه‌های شیعی و باور به مشروعیت نظام سیاسی، شهادت فرزندان خود را با نهضت عاشورا و شهادت امام حسین (ع) پیوند می‌زدند. شاید بتوان گفت این فرایند به‌منزله جامعه‌پذیری سیاسی مجدد بود که طی

آن ایدئولوژی انقلابی، با بازتولید و گسترش عناصر و مفاهیم تفکر سیاسی شیعی، ساخته شد و توانست ایران را به‌سوی فرهنگ سیاسی تبعی-مشارکتی سوق دهد (شریف، ۱۳۸۱: ۱۱۶-۱۱۴). بدین‌سان، عناصر و مفاهیم نظام ارزشی شیعی در پرتو انقلاب اسلامی، علاوه بر بالا بردن مشروعیت نظام سیاسی، مشارکت توده‌ای مردم و تحول در فرهنگ سیاسی ایران را موجب شد.

۲-۳. گرایش‌های مردم در سطح فرآیند

در سطح فرایند نظام سیاسی، به تمایلات افراد برای درگیر شدن در فرایند، یعنی طرح تقاضا و شکل‌های گوناگون مشارکت، توجه می‌شود. درواقع، هم نگرش نخبگان حاکم به مشارکت و نهادهای مشارکتی، و هم باور افراد به نقش خود برای تأثیرگذاری بر سیاست مطرح است و مشارکت در سیاست در کانون توجه قرار می‌گیرد.

به‌طورکلی، مشارکت سیاسی اشکال مختلفی دارد و فعالیت‌هایی نظیر تأثیر بر سیاست‌های عمومی، شرکت در راهپیمایی‌ها، مبارزات انتخاباتی و اعمال نفوذ بر سیاستمداران را شامل می‌شود؛ اما ساده‌ترین شکل مشارکت سیاسی، رأی دادن شهروندان به احزاب، افراد و سیاست‌ها است (بشیریه، ۱۳۸۴: ۳۷۶-۳۷۵). در این نوشتار منظور از مشارکت سیاسی، رفتارها و اقداماتی از طرف مردم است که هدف آن‌ها حمایت از نظام سیاسی است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد فضای باز سیاسی، بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی برای مشارکت در عرصه سیاست پدیدار شدند. فقدان فرهنگ سالم سیاسی و عدم وفاق میان گروه‌های سیاسی قدرت‌طلب که با افکار مختلف و متفاوت سیاسی در کنار هم قرار گرفته بودند، درنهایت موجب منازعه مسلحانه بین آن‌ها شد. این وضعیت سبب موضع‌گیری صریح امام خمینی^ع شد. تشنّت و تفرقه که در ایران سابقه تاریخی داشت، همچون یک آفت در عملکرد احزاب، موردعلاقه امام نبود. ایشان بر حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه تأکید داشتند؛ ازاین‌رو، تحرّج منجر به تفرقه، مورد تأیید امام نبود. از نظر ایشان، تحزب صحیح با مصالح ملی و دینی مطابقت و همسویی داشت. درهرصورت، امام خمینی^ع با پذیرش اصل آزادی احزاب، زمینه‌ای را فراهم آورد که گروه‌ها و سلايق گوناگون بتوانند در جمهوری اسلامی، به‌گونه‌ای مشروط، به فعالیت بپردازند؛ مهم‌ترین این شروط عبارت هستند از: رعایت چارچوب

قوانین دینی و رعایت مصالح و قوانین کشور، عدم برخورد با نظام سیاسی اسلامی، بیان انتقاد و دوری از توطئه، عدم وابستگی به قدرت‌های بیگانه، برخورداری از حمایت مردم، سازگاری با انسجام اجتماعی و همبستگی ملی. تحلیل محتوای جملاتی، نظیر «ما تابع آرای ملت هستیم»، «انتخاب با ملت است»، «ملت باید ناظر امور باشند» (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶: ۹۸-۹۳)، از سوی امام خمینی^ع نشان می‌دهد ایشان به نقش مردم در سیاست و مشارکت سیاسی و نقش نهادهای مشارکتی باور داشتند. از منظر امام خمینی، نقش مردم در دولت بسیار مهم و برجسته بود (لک زایی، ۱۳۹۹: ۱۸۳). همین باور به حضور و مشارکت مردم، به نقش‌آفرینی و مشارکت گسترده مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی منجر شد.

مشارکت مردم در رویدادهای اجتماعی و سیاسی بعد از انقلاب، به سرعت زیاد شد. مشارکت به شکل توده‌ای و در چارچوب رهبری و ایدئولوژی رهبران بسیج‌گر صورت می‌گرفت، نه در قالب نهادها و انجمن‌های مدنی؛ اما به هر حال، یک تحوّل صورت گرفت و فرهنگ سیاسی ایران به سمت تبعی-مشارکتی تغییر جهت داد (شریف، ۱۳۸۱: ۱۱۶). فرهنگ دارای دینامیزم انتقال است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۴۰)؛ هرچند در غیبت نهادهای مدنی، مشارکت شکل توده‌ای به خود گرفت؛ اما مردم به دلیل اعتماد به نفس، خودباوری و خوداتکایی (عیوضی و هراتی، ۱۴۰۰: ۱۵۴) ناشی از گفتمان انقلاب، احساس می‌کردند در سیاست اثرگذار هستند. با توجه به احساس مؤثر بودن مشارکت مردم در سیاست و افزایش آگاهی آن‌ها از مسائل سیاسی، مشارکت و دخالت مردم در رویدادهای اجتماعی-سیاسی افزایش یافت.

اوج مشارکت مردم در جبهه جنگ بود. دعاها و نمازهای جماعت، نوحه‌ها و مداحی‌های پرشور که همگی عناصر و مفاهیم و نمادهای فرهنگ سیاسی شیعی را در خود داشتند و از گفتمان انقلاب اسلامی به سراسر کشور جاری شده بود، موجب اشتیاق به شهادت، به مثابه یک ارزش، و همبستگی قوی اجتماعی در جبهه‌ها شد (رفیع‌پور، ۱۳۷۹: ۱۳۸). مذهب کارکرد خود را نشان داد و مردم را آماده هرگونه ایثار و فداکاری برای کشور ساخت.

بعد از انقلاب، مردم مشارکت در انتخابات و رأی دادن را یک تکلیف شرعی تلقی می‌کردند. رأی‌دهنده دینی کسی است که در هنگام رأی دادن، به عقاید دینی

به‌منزله معیار کنش سیاسی مراجعه می‌کند (کریمی مله و ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۱۲۹). در اینجا، تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی و رفتار رأی‌دهی مردم ایران قابل مشاهده است.

مشروعیت نظام سیاسی سبب بالا بردن توانایی استخراجی نظام و بالا رفتن مشارکت مردم، در رویدادهایی مثل انتخابات و راهپیمایی‌ها و جنگ تحمیلی شد. گرایش و تمایل مردم، متأثر از شخصیت کاریزماتیک امام و فضای انقلابی، سبب شد تا روحانیون در جامعه از سرمایه اجتماعی و سیاسی بالا برخوردار شوند. به‌طورنمونه، در انتخابات مجلس شورای اسلامی، از شروع مجلس اول در خرداد ۱۳۵۹ تا پایان مجلس دوم در خرداد ۱۳۶۷، بیش از نیمی از نمایندگان روحانی بودند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۷۲). اعتماد به روحانیون و محبوبیت آن‌ها در این مقطع تاریخی، بسیار زیاد بود.

علاقه و اشتیاق مردم به مشارکت و خدمت، به‌قدری زیاد بود که جوانان در شهرها و روستاهای ایران می‌خواستند به هر شکلی به کشور خدمتی بکنند. دولت برای تشویق مردم از طریق نهادهایی، مثل جهاد سازندگی و بنیاد مسکن، به ارائه خدمات عمومی - بویژه در مناطق محروم و کم‌توسعه - پرداخت و مجموعه این اقدامات باعث تغییرات مهمی در شیوه و سبک زندگی و ارتباطات شد. در زمان جنگ، میزان جاده روستایی احداث‌شده از هزار کیلومتر به ۳۴ هزار کیلومتر رسید (قهرمان‌پور، ۱۳۹۶: ۲۹). جهاد سازندگی با مشارکت داوطلبانه مردمی اقدامات بسیار مهمی، از جمله جاده‌سازی، لوله‌کشی آب، تأمین برق، درمانگاه و مدرسه، به اجرا درآورد. در آموزش و بهداشت عمومی در نواحی روستایی نیز دستاوردها چشمگیر بوده است (کدی، ۱۳۸۵: ۹۰). همین اقدامات و همکاری‌های داوطلبانه در گسترش نوسازی و عمران در شهرها و روستاهای ایران بسیار تأثیرگذار بود.

انقلاب اسلامی سبب گسترش مشارکت عمومی، همبستگی، تعاون و حاکم شدن ارزش‌های غیرپولی و غیربازاری در روابط اجتماعی شد. مردم برای کمک به کشاورزان به مزارع می‌رفتند، دانشجویان در کارگاه‌های آجری‌سازی کار می‌کردند و تعاونی‌ها در محله‌های مختلف ساماندهی شدند (فراست‌خواه، ۱۳۹۸: ۱۲۰). افراد هنگام تصادف، با چشم‌پوشی از خسارت مالی باگذشت و رضایت با هم رفتار می‌کردند. این

موارد نمونه‌هایی از حاکم شدن هنجارهای غیرپولی و غیربازاری در جامعه ایران بعد از انقلاب بود. همه‌گیری تعاون، تکثیر رفتارهای غیرمبادله‌ای و بدون چشمداشت در بین مردم و گسترش مم همبستگی، بر محور دین و آموزه‌های مکتب تشیع و فرهنگ و تمدن شیعی استوار بود.

۴. مم‌ها و تحول در فرهنگ سیاسی ایران

علاوه بر نظریه فرهنگ سیاسی که بدان پرداخته شد، می‌توان با نظریه میمیتیک، تکثیر و رواج همبستگی در جامعه ایران را در مقطع زمانی موردبحث، بسط داد و تقویت کرد. در اینجا فقط به برخی از ظرفیت‌های محدود این ادعای نظری توجه داریم و آن را به‌مثابه یک نظریه منقح و پاک تلقی نمی‌کنیم.

ایده مم از سوی داوکینز^۱ برای تبیین تکاملی انسان و فرهنگ انسانی و به‌معنی تقلید و تکثیر به‌کار رفت (صمدی و مرادیان، ۱۳۹۹: ۲۴۲) بر مبنای این نظریه، مم‌ها کدهای رفتاری هستند که فرهنگ ما را توضیح می‌دهند. داوکینز نمونه‌هایی از مم را چنین برمی‌شمرد: ایده‌ها، سنت‌ها، باورها، تکیه‌کلام‌ها و مدل لباس. وی معتقد است درست همان‌طوری که یک زن با پریدن از یک بدن به بدن دیگر، از طریق اسپرم یا تخمک، خود را در خزانه ژنی پخش می‌کند، مم‌ها نیز با پریدن از یک مغز به مغز دیگر، خود را در خزانه ممی تکثیر می‌کنند که در مفهوم کلی، می‌توان آن را سرمشق‌گیری نامید (رفیع ریاحی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۴۹۸).

توارث زیستی، تنها به‌صورت عمودی از والدین به فرزندان منتقل می‌شود؛ درحالی‌که توارث فرهنگی، به‌صورت افقی و نیز عمودی گسترش می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که یک تغییر ژنتیکی جدید، تنها در طول نسل‌های بی‌شمار قادر است به نحو قابل ملاحظه‌ای منتقل شود؛ درحالی‌که یک کشف علمی جدید می‌تواند در طول کمتر از یک نسل، به کل جامعه بشری منتقل شود (عبداله‌ی راد و میان‌داری، ۱۳۹۷: ۹۵).

درواقع، این نظریه تلاش دارد تا پیوندی میان تمدن و زیست‌شناسی ایجاد کند. همان‌طور که ژن، اطلاعاتی را منتقل می‌کند، موقعیت مم نیز ماهیت اطلاعاتی در بین افراد جامعه دارد. همان‌طور که ژن‌ها، ریزواحدهای ارگانیسم موجودات زنده

1. Dawkins

هستند و در DNA کدهای ژنتیکی و رمزهای وراثتی افراد است، مم‌ها نیز ریزواحدهای فرهنگ‌اند که دارای داده‌های پایه و پنهان در ذهن افراد یک جامعه هستند. عاملان انسانی داده‌ها را پیوسته به صورت متفاوتی نسخه‌برداری و کپی می‌کنند؛ بدین ترتیب، پردازش جدیدی از داده‌ها ایجاد می‌شود. همچنین ترکیبی متفاوت از اطلاعات و دانش به وجود می‌آید و موجب تغییرات مم‌تیک و تحول در فرهنگ جامعه می‌شود. در این دگرگونی، نقش نخبگان _به ویژه نخبگان سیاسی و رهبران_ برجسته‌تر است و رفتار آن‌ها دارای کدهای اطلاعاتی است. اغلب مردم بر دین حاکمان خویش هستند^۱ (فراست‌خواه، ۱۳۹۸: ۱۰۹-۱۰۱).

پس از انقلاب اسلامی، برابر با نظریه مم‌ها، کدهای اطلاعاتی از عناصر، مفاهیم و الگوهای دینی که در مم‌های فرهنگی و تمدنی جامعه ایران ذخیره بود، فعال شد. نخبگان سیاسی و در رأس آن‌ها رفتار امام خمینی(ع)، در نقش عاملان انسانی، نقش مهمی در این تحول داشتند. در واقع، مم‌های مشارکت عمومی، محبت، همبستگی و تعاون در جامعه ایران، از ذهن یک فرد به فرد دیگر، تکثیر شد و رواج پیدا کرد. رفتار ایرانیان بعد از انقلاب اسلامی نشان داد که انسان موجودی نیست که تنها به دنبال حداکثرسازی سود باشد؛ بلکه ارزش‌هایی بالاتر از مناسبات پولی و بازاری هم وجود دارد. مم‌های همبستگی، تعاون، گذشت، مقاومت و ایثار، میل به خیر، مشارکت عمومی برای ساختن، محبت و فداکاری در مخزن مم‌های تمدنی و فرهنگی ما ایرانیان وجود دارد که بعد از انقلاب اسلامی، در پرتو مذهب شیعه و شخصیت کاریزماتیک امام خمینی(ع)، متبلور شد و کارکرد مثبت دین، فرهنگ و تمدن شیعی را در جامعه ایران نشان داد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا تأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ سیاسی ایران، در مقطع زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸، بررسی شود. پیروزی انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی(ع) با شخصیتی کاریزماتیک، سبب تغییرات گسترده‌ای در باورها، هنجارها، ارزش‌ها و به‌طور کلی، فرهنگ سیاسی ایران شد. یک نظام ارزشی جدید، حول دال اسلام و

۱. النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ.

براساس مذهب تشیع، در جامعه ایران شکل گرفت. عناصر، مفاهیم و نمادهای شیعی، همانند معاد، امامت و ایثار، بر فرهنگ اجتماعی و فرهنگ سیاسی مردم تأثیر گذاشت. آثار فرهنگ شیعی که با انقلاب اسلامی بازتولید و گسترش یافت، در رفتار اجتماعی-سیاسی مردم ایران در وقایع مختلف، مثل انتخابات و جنگ، مشاهده می‌شد. مشارکت توده‌ای گسترش یافت و افراد به دلیل اعتماد به نفس و خودباوری ناشی از گفتمان انقلاب، احساس می‌کردند در سیاست تأثیرگذار هستند. فرهنگ سیاسی به‌سوی فرهنگ تبعی-مشارکتی حرکت کرد. رأی‌دهی در انتخابات در حکم تکلیف شرعی نزد مردم تلقی گردید. شرکت در جنگ و شهادت، یک ارزش اجتماعی تلقی شد و با خدا، اسلام، قرآن، نهضت عاشورا و امام حسین (ع) در ذهن افراد پیوند خورده بود.

مشروعیت کاریزماتیک نظام سیاسی در پرتو شخصیت امام خمینی (ره)، وزن بیشتری در مقایسه با مشروعیت سنتی و قانونی داشت. این مشروعیت بالا سبب افزایش توانایی استخراجی نظام شد. افراد در رخدادهای اجتماعی-سیاسی و حمایت از نظام سیاسی، حضوری فعال داشتند. انسجام اجتماعی، همبستگی، تعاون، گذشت، همکاری داوطلبانه و مناسبات غیرپولی در روابط اجتماعی گسترش یافت؛ به‌طوری‌که مردم، آماده هرگونه ایثار و فداکاری برای کشور بودند. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی با بازتولید تعالیم مذهبی، کارکرد مثبت دین را در نظام اجتماعی و فرهنگ سیاسی ایران آشکار ساخت.

همواره مذهب، بخشی از فرهنگ جامعه ایرانی بوده و کارکرد مناسب خود را در صورت‌بندی اجتماعی-سیاسی جامعه ایران در فرایند تاریخی نشان داده است. انقلاب اسلامی بستر مناسبی برای حرکت از فرهنگ سیاسی تبعی محدود، به‌سوی فرهنگ سیاسی تبعی-مشارکتی فراهم ساخت. هنجارها و ارزش‌هایی که از انقلاب اسلامی تولید یا بازتولید شد در فرهنگ سیاسی ایران ریشه محکمی پیدا کرده است؛ اما فرهنگ سیاسی ایستا نیست و در هر جامعه‌ای همواره در مسیر دگرگونی و تحول حرکت خواهد کرد و پیوسته در حال جرح و تعدیل است.

کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۱). ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی. (کاظم فیروزمند و شمس‌آوری و مدیرشانه‌چی، مترجمان). تهران، مرکز.
- ابوطالبی، مهدی. (۱۳۸۴). نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی. معرفت، ۱۴(۹۸)، ۲۳-۱۰.
- اخوان‌کاظمی، بهرام. (۱۳۹۶). علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران. تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ازغندی، علیرضا، و دلاور، ابوذر. (۱۳۸۹). نقش فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در سقوط محمدرضا شاه (بررسی موردی نخست‌وزیر هویدا از بهمن ۱۳۴۳ تا مرداد ۱۳۵۶). رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۲۳، ۷۵-۵۱.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران، قومس.
- آل‌غفور، محمدتقی. (۱۳۸۰). خاستگاه فرهنگ سیاسی ایران معاصر. علوم سیاسی، ۴(۱۶)، ۶۰-۳۵.
- آمونند، گابریل، پاول جونینور بینگهام، جی و مونت، رابرت جی. (۱۳۸۱). چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. (علیرضا طیب، مترجم). تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران، نی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۴). آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی. تهران، نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۵). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران. تهران، نگاه معاصر.
- بیژنی، مریم، معتمد‌نژاد، کاظم و علینی، محسن. (۱۳۸۸). جایگاه «مشروعیت قانونی» در گفتمان‌های سیاسی رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران. علوم اجتماعی، ۱۶(۴۶)، ۱۳۷-۱۰۷.
- پزشکی، محمد، حسینی‌زاده، محمدعلی، حقیقت، صادق، فراتی، عبدالوهاب و ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۷۹). انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن. قم، معارف.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۲). انقلاب آرام: فراز و فرود ارزش‌ها در ایران امروز. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۴، ۷۰-۳۸.
- جواد یگانه، محمدرضا. (۱۴۰۰). ایرانی‌ترین غیرایرانی‌ها: خلیقات ایرانی‌ها از منظر بیگانه‌های آشنا. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.

- چیلکوت، رونالد. (۱۳۷۸). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای. (وحید بزرگی و طیب، مترجمان). تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ و کاوندی کاتب، ابوالفضل. (۱۴۰۲). هنر و آیین کشورداری در اندیشه ایرانی. تهران، امیرکبیر.
- حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۷۸). چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران. تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- درودی، مسعود. (۱۳۹۴). کارکرد سیاسی هیئت‌های مذهبی در ایران (با تأکید بر دوران جمهوری اسلامی ایران). ژرف‌پژوه، ۲(۳ و ۴)، ۶۷-۹۳.
- دلاور، ابودر. (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی نخبگان در دوره پهلوی دوم. گفتگو، ۵۲، ۱۱۱-۱۴۰.
- راش، مایکل. (۱۳۸۱). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. (منوچهر صبوری، مترجم). تهران، سمت.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۹). توسعه و تضاد. تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رفیع ریاحی، حسن، ناصر، محمدی و رضایی، مهین. (۱۴۰۱). نقد و بررسی نظریه ممّتیک دین اثر دکتر ریچارد داوکینز. ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۲)، ۱۵۰۹ - ۱۴۹۷. دسترسی در: <https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.313852.2597>
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۷). ایران و جهانی شدن؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها. تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- شریف، محمدرضا. (۱۳۸۱). انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر. تهران، روزنه.
- صمدی، هادی و مرادیان، احمدرضا. (۱۳۹۹). نقش تمثیل و مدل در نظریه‌های تکامل فرهنگی: مطالعه موردی میم‌تیک. فلسفه علم، ۱۰(۱)، ۲۳۷-۲۵۷.
- عبدالهی راد، هاله و میان‌داری، حسن. (۱۳۹۷). نقد و بررسی تبیین‌های تکاملی رفتار اخلاقی در انسان و سایر گونه‌ها: نوع‌دوستی زیستی و نوع‌دوستی اخلاقی. پژوهش‌های فلسفی، ۱۲(۲۲)، ۹۱-۱۰۴.
- علویان، مرتضی. (۱۳۹۳). روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی. قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- عیوضی، محمدرحیم و هراتی، محمدجواد. (۱۴۰۰). درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران. قم، معارف.

- فراست‌خواه، مقصود. (۱۳۹۸). ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی. تهران، نی.
- فوران، جان. (۱۳۸۲). مقاومت‌شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران. (احمد تدین، مترجم). تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قهرمان‌پور، رحمان. (۱۳۹۶). بررسی چهار دهه تحول‌خواهی در ایران. تهران، روزنه.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۱). سیاست‌های مقایسه‌ای. تهران، سمت.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۴). سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست. تهران، سمت.
- کدی، نیکی. (۱۳۸۵). نتایج انقلاب ایران. (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران، ققنوس.
- کریمی مله، علی؛ و ذوالفقاری، وحید. (۱۳۹۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی رفتار رأی‌دهی. تهران، نگاه معاصر.
- کوهن، آلوین استانفورد. (۱۳۸۶). تئوری‌های انقلاب. (علیرضا طیب، مترجم). تهران، قومس.
- لک‌زایی، شریف. (۱۳۹۹). حکمت سیاسی متعالیه. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مارتین، ونسا. (۱۳۹۸). ایران بین ناسیونالیسم اسلامی و سکولاریسم. (غلامرضا علی بابایی، مترجم). تهران، اختران.
- مارش، دیوید و استوکر، جری. (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی. (امیرمحمد حاجی یوسفی، مترجم). تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۸). فرهنگ سیاسی ایران. تهران، فرهنگ صبا.
- مطلبی، مسعود. (۱۳۹۲). عرصه‌های دین‌گرایی در فرهنگ سیاسی ایران معاصر. مطالعات میان‌فرهنگی ۷(۱۸)، ۱۳۴-۱۰۵.
- مظاهری، ابودر. (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی: مبانی، روش‌ها و امکان‌ها. تهران، سمت.
- موثقی، احمد. (۱۳۸۵). نوسازی و اصلاحات در ایران. تهران، قومس.
- هیوود، اندرو. (۱۴۰۰). سیاست. (عبدالرحمن عالم، مترجم). تهران، نی.